

بازنمایی اعتقادات شیعی اظهری شیرازی در قصاید رسالت کمال وی

فاطمه سادات طاهری^۱، فریبا چینی^۲

چکیده

مقاله حاضر باورهای اعتقادی و مذهبی بوداق اظهری شیرازی، شاعر قرن یازدهم را در قصاید او بررسی می‌کند. از آنجاکه قصیده قالبی است که شاعر برای تبیین موضوعی آگاهانه و مقصودی از پیش‌اندیشیده به کارمی‌گیرد، اختصاص اکثر قصاید دیوان اظهری به منقبت اولیای دین به ویژه امیر مؤمنان^(۱)، یقیناً انعکاس اندیشه‌های دینی و اعتقادی اوست؛ بنابراین نگارنده‌گان با رویکرد توصیفی تحلیلی مبتنی بر قصاید اظهری و پاسخ به این پرسش‌ها که با مطالعه قصاید اظهری کدام مؤلفه‌های اعتقادی وی آشکار می‌شود و شاعر چه شیوه‌هایی را برای تبیین این عقاید به کار گرفته است؟ این نتیجه حاصل شده که تحت تأثیر رسمیت یافتن تشیع در دوره صفویان، اظهار اعتقادات مذهبی نزد اظهری بر دیگر مضامین شعری اولویت داشته است. او در ۵۲ قصیده از ۸۳ قصیده دیوان خویش به توحید، نعمت و منقبت رسول اکرم^(۲) و ائمه اطهار^(۳)، مناجات و ذکر صفات و معجزات ایشان پرداخته است. چنانکه می‌توان گفت بیش از دو سوم قصاید دیوان، بیانگر اعتقادات شیعی شاعر بوده و تحت تأثیر همین عقاید، محدود قصاید مذهبی او نیز دستمایه درخواست قرار نگرفته است. این موضوع و همچنین تجلی اوج هنر شعری شاعر در قصاید اعتقادی اش، نشان‌دهنده اوج ارادت خالصانه اظهری به بزرگان دین بوده که یقیناً رسمیت یافتن و رواج تشیع و اعتقادات و دیدگاه‌های شاهان صفوی بر این موضوع بسیار مؤثر بوده است.

واژه‌های کلیدی: اعتقادات شیعی، تحمید، منقبت، معصومین^(۴)، قصاید اظهری شیرازی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول). taheri@kashanu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان. Walru-s@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

۱. مقدمه

از آنچاکه بازتاب سخنان انسان اندیشه‌های اوست، پس در واقع ادبیات، انعکاس عواطف، اندیشه‌ها، اعتقادات، فرهنگ و آداب و رسوم یک قوم است. یکی از منابعی که برای شناخت باورهای دینی و اعتقادات یک قوم می‌توان از آن بهره برد، بررسی آثار ادبی آن‌ها در دوره‌های مختلف است. اظهاری شیرازی، یکی از شاعران شیعه در قرن ۱۱ق بوده و در دربار شاهان صفویه بوده که به دنبال لشکرکشی‌های آن‌ها، به قراغ رفته و بر مبنای اشعارش، بیش از بیست سال در آنجا زندگی کرده است. دیوان اشعار او بیش از ۱۰۰۰۰ بیت دارد که نگارندگان این مقاله، آن را تصحیح کرده‌اند. با بررسی و شناخت ویژگی‌های دیوان اظهاری، مشخص شد که مطالعه قصاید او می‌تواند نمایانگر بخشی از باورها و اعتقادات آن دوران و افکار و اعتقادات شاعر باشد؛ چنانکه از ۸۳ قصيدة دیوان شاعر، ۵۲ قصيدة در منقبت پیامبر^(ص) و ائمه اطهار^(ع) به ویژه امیر المؤمنین^(ع) است. نگارندگان کوشیده‌اند با بررسی اندیشه‌ها و افکار اظهاری در قصاید او، باورهای دینی و مذهبی شاعر را درباره اولیاء الله مشخص کنند.

در این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی مبتنی بر متن قصاید دیوان و منابع استنادی کتابخانه‌ای، تلاش شده به این پرسش بنیادی پاسخ داده شود که با بررسی قصاید اظهاری، کدام مؤلفه‌های اعتقادی و مذهبی وی آشکار می‌شود و اظهاری برای تبیین این عقاید از چه شیوه‌هایی استفاده کرده است؟ نتایج به دست آمده حاکی از آن است که اظهاری به سبب رسمیت یافتن تشیع در عصر صفوی، اعتقادات و اندیشه‌های مذهبی خود را در قالب قصیده - که مناسب‌ترین قالب برای بیان اندیشه است و شاعر آگاهانه و با قصد قبلی به سرودن آن‌ها پرداخته و اوج هنر شاعری خود را در قصاید خویش به نمایش گذاشته است؛ چنانکه می‌توان گفت قصاید اظهاری که نمایانگر ارادت صادقانه وی به خاندان نبوت و امامت به خصوص حضرت علی^(ع) و پیروی از آن‌هاست، تجلی‌گاه عقاید مذهبی اوست و تحمیدیه‌نویسی

آغاز دیوان، منقبت سرایی برای بزرگان دین، ذکر صفات باطنی و ظاهری ایشان، سوگندنامه سرایی، انتخاب نام‌های زیبا برای آن قصاید، به کارگیری آرایه‌های زیبای ادبی و تصویرسازی‌های هنری برای توصیف رشادت‌ها و صفات نیکوی ایشان، از جمله شیوه‌های اظهری برای تبیین این مقصود است. یقیناً اظهارگسترده اعتقادات شیعی شاعر مستقیماً تحت تأثیر حکومت شیعه مذهب صفوی است.

۲. معرفی شاعر

بوداق اظهری شیرازی از شاعران شیعه در قرن یازدهم است که تنها در الذریعه چند سطر درباره او آمده است و اطلاعات دیگری از او در دست نیست. دانسته‌های ما درباره وی به آنچه از اشعارش استنباط می‌شود، محدود است. با اینکه درباره تاریخ تولد و وفات اظهری اطلاعات دقیقی نداریم، احتمالاً وی در سال ۹۹۱ ه.ق. متولد شده است. اظهارات شاعر در پایان دیوان، مبنی بر اتمام آن در «زکم قراباغ» در سال ۱۰۵۴ ه.ق. است (رک: اظهری، بی‌تا، ب ۳۳۷) و اشاره وی به ۶۳ سالگی خود: «الحمد لله كه در سن شصت و سه سالگی به هوداری عینک... به ترتیب و تحریر این نسخه مبادرت نمود». (رک: اظهری، بی‌تا، ب ۱۳۳۶ آ) مؤید این موضوع است.

۳. مذهب شاعر

حضور اظهری در دربار صفویان و اشعار وی، مبین تشیع اوست؛ تعداد زیادی از اشعار او در نعت و منقبت خاندان نبوت به ویژه پیامبر^(ص) و حضرت علی^(ع) سروده شده است. نکته دیگر اینکه اختصاص دو قصیده از قصاید اظهری با نام‌های «مجموعه معرفت» و «عشوقة غربت» به امام عصر^(ع) و انتظار فرج، مهر تأییدی است بر اینکه اظهری از بین فرقه‌های تشیع، به شیعه دوازده‌امامی اعتقاد داشته است. همچنین در قطعات ۲۰۶ و ۲۰۷ دیوانش به توصیه کتاب‌دار شاه، در پاسخ به فردی که در مجلس بزرگان قلعه تقلیس او را

اهل سنت دانسته، آشکارا تشیع خود را اظهار و اعتراض می‌کند:

من که از شیعه فطریم، تو گویی سُنّی

تو که سُنّی تمامی، شده‌ای شیعه مثال؟

(قطعه ۲۰۶)

و با اشاره به غیبت صاحب‌الامر^(ع) رنج انتظار آن حضرت را مطرح می‌کند:

به غایبی که نهان تا شده است در عالم

نموده خون، دل خلقی ز حسرت دیدار

(قصیده ۸۰)

ز جور هجر تو دیگر نماند چاره مگر

بَرْم شکایت و بوسم رکاب مهدی را

(قصیده ۴۹)

۴. رساله کمال اظهري و ساختار آن

تنها اثر به جامانده از اظهري، ديوان اشعار اوست که که خود آن را رساله کمال ناميده است. اين ديوان شامل قالب‌های مختلف شعری قصیده، غزل، قطعه، مثنوي و رباعي و دو مقدمه منثور در آغاز بخش قصاید و غزلیات و یک ترقیمه است: «و تنظیم رساله کمال به توفیق صانعی که مجمع طراز اقسام و انواع گهر عالم و چهره پرداز اجسام و اشخاص صور بنی آدم است» (اظهري، ۲).

با اينکه شاعر گفته که به دو زبان فارسي و تركي شعر مى سروده، ولی فقط ديوان فارسي او در دسترس است:

دیگران با یک زبان بردند معنی را به اوج

هست در طرز سخن با دو زبان گفتار من

فارسی خود سرم با انوری هم گفت و گوست

ترکی ام از بولفضلی با فضولی هم سخن

(قطعه ۱: ۲۱۴ و ۲)

۵. قصاید اظهّری

دیوان اظهّری با دیباچه پنج برگی منتشر آغاز می‌شود که به سنت قدما، تحمیدیه رساله کمال او است. پس از آن، قصاید شاعر قرار دارند. از آنجاکه شاعر در قصیده غالب به شخص و مقصودی معین توجه دارد، آن را قصیده یعنی مقصود نامیده‌اند. به دلیل وجوب رعایت جنبه‌های بلاغت و جزالت کلام، قصاید هر شاعر نشان دهنده قوت طبع و توانایی اوست (همایی، ۱۳۷۷: ۱۰۴)؛ از این‌رو است که اظهّری نیز باورها و اندیشه‌های مذهبی خود را در قصاید خویش مطرح می‌کند. اولین قصیده او تحمیدیه‌ای است که با این بیت آغاز می‌شود:

ای عاجز از حدیث توطیع سخن سرا

ای مانده در گره ز توعق ل گره گشا

(قصیده ۱)

اظهّری در مجموع، ۸۳ قصیده در متن و حواشی دیوان خویش آورده است که روی هم رفته، ۳۴۲ بیت از دیوان اشعارش را دربرمی‌گیرد. شاعر در قصاید خود به نعت خدا و پیامبر^(ص)، منقبت امیر مؤمنان^(ع) و ائمه اطهار^(ع)، مدرج شاهان صفوی به ویژه شاه عباس و بزرگان دربار آن‌ها پرداخته و در بین قصاید خود افزون بر درونمایه اصلی،

از مضامینی چون مفاخره، بُث شکوی، سوگندنامه، مرثیه و... نیز استفاده کرده است.

اظهری در اولین قصيدة خود به شیوه تحمید، خدا را به یکتایی ستوده است. او ۱۷ قصيدة بعدی را به نعت پیامبر و ۳۳ قصيدة دیگرش را نیز به منقبت ائمه^(ع) اختصاص داده است. همچنان ۲۵ قصیده در مدح شاه عباس اول، سه قصيدة در شکایت از روزگار و مردم زمانه، دو قصيدة در رثای اعضای خانواده‌اش، یک ماده‌تاریخ، یک قصيدة با مضمون مناجات با خداوند در پایان دیوان و قصیده‌ای با نام «جامع المناقب» در منقبت چهارده معصوم^(ع)، حضرت خدیجه^(س) و بسیاری از پیامبران و اولیای الهی سروده است. بدین ترتیب رایج‌ترین مضمون قصاید اظهری، منقبت معصومان^(ع) است. نکته دیگر اینکه وی ۷۴ قصيدة از قصاید خویش را نامگذاری کرده است که ۵۱ قصيدة اعتقادی او نیز از این جمله‌اند. این نام‌ها با موضوع قصاید مناسبت دارند و براعت استهلال‌گونه، مخاطب را به مضمون قصاید راهنمایی می‌کنند:

جدول ۱

نام قصيدة	شماره قصيدة	موضوع
التوحيد موسوماً به ورد الابرار؛ ارواح الابدان (مناجات عَزَّ اسمه).	۸۰ و ۱	توحید، تحمید و مناجات
بِنَامِ ضياءِ القلوبِ؛ منْتَخِبُ النَّفَائِسِ؛ مجمِعُ التَّوَادِرِ؛ تحفَهُ خيال؛ امواجُ البحار؛ فخرُ المساكين؛ افتخارُ الملوك؛ نزهتُ الارواح؛ تسكينُ القلوب؛ ملحُ الكلام؛ تحفةُ الاغنيا؛ مفرحُ الفؤاد؛ كنزُ العارفان؛ حبيبُ الجنان؛ هاديُ المساكين؛ نغماتُ الطيور.	۱۸ تا ۲	منقبت پیامبر اکرم ^(ص)

نام قصیده	شماره قصیده	موضوع
زیبالمجالس؛ نطقاللسان؛ انوارالعيون؛ مشقق القلوب؛ کمربند وحدت؛ لھبالخيال؛ بحارالمعرفت (در ایام طفولیت گفته شد)؛ گنجینه وحدت؛ مطلع الشمس؛ ریاضالجنان؛ سحابالامطار (در ایام طفولیت گفته شد)؛ شاهدالمجالس؛ سرورالقلب؛ بحرالآل؛ جامجهاننمای؛ طلیعه اقبال؛ نسخةالاشراق؛ کنزالاسرار؛ حدیقةالخيال؛ مرآتالشمایل؛ حصولالمقاصد؛ ابکارالافکار؛ شارح الشوق؛ زیبالانفاس؛ قانونالمعرفت؛ مراتب العقول.	۴۴ تا ۱۹	منقبت امیر مؤمنان، علی ^(ع)
کنزالمعانی (امام المؤمن امام حسن ^(ع)).	۴۵	امام حسن ^(ع)
شرحالنوائب و مجمعالبحرين (امام المتقین امام حسین ^(ع)).	۷۹ و ۴۶	امام حسین ^(ع)
سیاحۃالاورنگ (امام الاتقیا علی بن موسی الرضا ^(ع)).	۴۷	امام رضا ^(ع)
مجموعۃ معرفت (صاحب الامر ^(ع))؛ معشوقة غربت (صاحب الامر علیه التحییه و الشفاء).	۴۹ و ۴۸	امام زمان ^(عج)
جامع المناقب (در مناقب ائمه المعصومین سلام الله عليهم اجمعین).	۵۰	چهارده معصوم ^(ع)

اظهری در قصاید خود، سوگندنامه‌های زیبا و مفصلی هم سروده است (احمدی دارانی، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۵). وی با سوگندهای متعدد خداوند به اولیای دین، عناصر طبیعت و دیگر موجودات، خواستار دوری از خشم خدا و بخشش گناهانش می‌شود. این مضمون در قصاید ۵، ۲۹، ۵۰، ۸۰ (۴۹ بیت) و ۸۱ اظهری دیده می‌شود؛ مثلاً در قصيدة ۵، با ۲۲ بار سوگنددادن خداوند به عناصر طبیعت، امان از خشم خدا را می‌طلبد:

به قمری‌ای که نماید به لاله داغ درون

به ببلی که فروشد به غنچه خون جگر...

گشای عقدۀ خشم از جبین خویش به لطف

که هان شدم گهرافروز نعت آن سرور

(قصیده ۳۷: ۵ و ۴۴)

در قصیده ۵۰ نیز ۱۸ بار برای بخشش گناهانش، خدارا به چهارده معصوم و انبیاء^(۴) سوگند می‌دهد که این موضوع، در قصاید ۷۲، ۷۳ و ۸۰ اظهري نیز تکرار شده است:

به ساکنان سماوات و عالم ملکوت

به انبیای اولوالعزم و سیّد الابرار...

به روز آخرتم رحمت تو می‌داند

هر آنچه می‌کندم خوشتر است در همه کار...

(قصیده ۸۰: ۵ و ۵۵)

۶. بررسی محتوایی قصاید اظهري

مذهب تشيع و رسمي‌شدن آن در ايران، موجب رواج قصیده‌سرايی در ستايش اهل‌بيت^(۴) شد؛ از اين‌رو قصیده‌های فراوانی در اين دو سده سروده شد و تقریباً همه شاعران اين دوره در اين قالب طبع آزمایي کرده‌اند. اظهري هم که از شاعران دربار شاه عباس و شاه صفی بوده، قصایدش را در سه بخش نعت پیامبر^(ص)، منقبت ائمه^(ع)، مدح شاه عباس و درباريان سروده است. وي ۵۲ قصیده از ۸۳ قصیده ديوانش را به تبیین موازين اعتقادی و مذهبی خود اختصاص داده است. همچنین دو قطعه در رثای سالار شهیدان دارد و در ديگر قالب‌های شعری اش هم از اين مضامين برای خلق آرایه تلمیح استفاده کرده است.

قصیده بیش از دیگر قالب‌های شعری، انعکاس دهنده اندیشه‌های شاعر است. فراوانی قصاید مذهبی اظهاری هم مؤید این نکته است و با بررسی آن‌ها، می‌توان به اندیشه‌های شیعی شاعر پی‌برد:

جدول ۲

۱	۲	۱	۲	۱	۲۶	۱۷	۲
۱	۲	۱	۲	۱	۲۶	۱۷	۲

۱-۶. تحمید در قصاید اظهاری

شاعران و نویسنده‌گان با تکیه بر این سخن پیامبر^(ص) «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبَدَّأُ فِيهِ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ فَهُوَ أَقْطَعُ أَبْتُرُ، مَمْحُوقٌ مِنْ كُلِّ بَرَكَةٍ» (متقى هندی، ۱۴۲۴: ش ۲۵۱) از دیرباز اشعار و متون خود را با نام پروردگار آغاز کده‌اند؛ از این‌رو آثار گذشتگان، با هر موضوع و محتوایی، در قالب نظم یا نثر، با تحمیدیه آغاز می‌شود و ادب‌می‌کوشند اوج هنرنمایی خود را در این بخش متجلی سازند.

تحمید در اصطلاح ادبی، حمد خدا و ذکر نام و ادائی احترام به پیامبر اسلام^(ص) در صدر خطبه‌ها و دیباچه کتاب‌هاست (دهخدا، ۱۳۷۶: ذیل تحمید). تحمیدیه نمونه‌های کامل نشر مسجع، فنی و مصنوع و در عین حال، تابع سبک نشر هر دوره است. به طورکلی، دیباچه کتاب‌هایی که در صدر آن تحمیدیه آمده است، در مقایسه با متن کتاب، از حیث نگارش شیوه پخته‌تر و آراسته‌تری دارند. حتی در مقدمه کتاب‌هایی که نویسنده قصد جمله‌پردازی و استعمال صنایع لفظی را ندارد، عبارات

و واژگان زیباتر و پروردگرتر است. دانشمندان مسلمان ایرانی در آغاز آثارشن، ابتدا بر پایه مفاهیم قرآن و احادیث و سپس به کمک اصطلاحات خاص آن فن، تحمیدیه‌ای نوشته‌اند (ستوده و بارفروش، ۱۳۶۶: ۷).

اظهری نیز دیوان خود را با دیباچه‌ای منثور در نعت پروردگار، منقبت پیامبر^(ص) و ادای احترام به امیر مؤمنان^(ع)، آغاز کرده است تا با پیروی از سنت پیشینیان، از ابتدا مبانی اعتقادی خویش را برای مخاطب آشکار کند. ازین‌رو ابتدا خداوند را به یگانگی می‌ستاید: «افتتاح ابواب خزانین سخن به مفتاح دلگشای ثنای یگانه‌ای که شیرازه بند مجموعه کائنات و چمن‌پیرای سرابستان حیات است...» (اظهری، بی‌تا: ب۱آ). در ادامه به نعت پیامبر^(ص) می‌پردازد: «درود نامحدود ایثار قبه بارگاه خجسته شهریار خطه کونین، پادشاه عرصه ثقلین، قاسم خزانین رحمت، فاتح ابواب جنت، صدرنشین صفة کائنات، آفتاب اقالیم حیات...» (همان: ب۲آ). سپس سخن خود را با منقبت امیر مؤمنان^(ع) ادامه می‌دهد:

«سپاس بی‌قیاس بر فرمان فرمای مسنند ولایت و قافله سالار رهروان هدایت و والی اقلیم عظمت و جلال و صاحب اعلام کرامت و افضال، نکته افزوده بیهیم خسروی، کله‌گوشه پرداز افسر سروری، دیباچه طراز مجموعه دین، زینت افزای بساط عز و تمکین، خورشید افق امامت، خسرو کشورگشای کرامت، انتخاب مجموعه کائنات» (همان: ب۲ب).

او از خداوند برای خویش علو درجه و برای اشعار لطیفیش جاودانگی می‌خواهد:

«الهی این شمع برافروخته خورشیدلگن را که در آذرکده کمال منور ساخته و این گلدسته دلفریب زمن را که از گل باعچه خیال به هم پرداخته است ... از قبح قادحان بی‌شرم و طعن طاعنان بی‌آزم مصون و این درج گهر و گنج در رگرانمایه را از دست تطاول ایام و اثرگردش چرخ نافرجام محفوظ و محروس دار» (همان: ب۵آ).

پس از آن، قصاید دیوانش را با قصیده‌ای با نام «التوحید موسوماً به وردالابرار» آغاز و یگانه پرستی خود را اثبات کرده است. اظهری بارها اشاره کرده که انسان جز در توحید و ستایش خدا و استغفار نباید سخن بگوید:

جز به توحید الهی نگشایم لب خویش

گرزنم دم به غلط، باز کنم استغفار

(قصیده ۳۶/۱۸)

مهیمنا و کریما به حق حضرت تو

که هیچ حرف ز وصف تو نیست بالاتر

(قصیده ۵۰/۲۹)

اظهری عقیده دارد تسبیح و تنزیه حق چنان مقام و مرتبتی به انسان می‌بخشد که تمام عناصر عالم دربرابر او فروتنی می‌کنند:

جهان به نزد جلالت زذرهای کوچک

فلک ز بحر نوالت ز قطره‌ای کمتر

(قصیده ۵۰/۳۰)

و در این عالم، تنها پناه و حامی انسان معبد یکتاست:

خرچنگ، اژدهای دوسر شد برای من

جز فضل کردگار نباشد مرا پناه

(قصیده ۱۱۵/۱۳)

۶-۲. منقبت رسول اکرم^(ص) و ائمه اطهار^(ع)

اظهری در بین ۵۲ قصيدة اعتقادی خویش، بارها از خدا طلب یاری و بخشش کرده و در بین مناقب خود، فضائل اولیای دین را نیز تبیین کرده است. از جمله آن‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جدول ۳

فضائل معصومین ^(ع)	
نداشتن سایه، حُسن خلق، زیبایی و شمايل نیکو، خاتم پیامبران، شفاعت و...	پیامبر ^(ص)
وصایت، عدالت، شفاعت، شجاعت، سخاوت و....	امیر مؤمنان ^(ع) و فرزندانشان

۶-۲-۱. فضائل پیامبر اکرم^(ص)

اظهری در شعر خویش بارها به صفات پیامبر^(ص) از جمله جذابیت‌های ظاهري و باطنی ايشان (رك: مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۱۶: ۱۴۸-۱۷۱) و همچنین ویژگی‌های خاص آن حضرت، مثل آفرینش ايشان از نور خاص و نداشتن سایه، اشاره کرده است. چنان‌که ابن جوزی از قول ابن عباس نقل می‌کند: «لَمْ يَكُنْ لِرَسُولِ اللَّهِ ظِلٌّ وَلَمْ يَقُمْ مَعَ الشَّمْسِ قُطُّ الْأَغَلَبِ ضَوْءَهُ ضَوْءَ الشَّمْسِ وَلَمْ يَقُمْ مَعَ سَرَاحِ قُطُّ الْأَغَلَبِ ضَوْءَهُ عَلَى ضَوْءِ السَّرَاحِ» (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۴۱۲). اظهري اين ویژگي را به زيبايی به تصویر کشیده است:

سربه سر نوري اما نكنى سایه پدید

نيستي گرچه خدا، نيست ولی بر تو عديل

(قصيدة ۳/۲۲)

اظهاری بارها در توصیف شمایل پیامبر^(ص) به حُسن عارض، خوش قامتی، نفوذ نگاه و... آن حضرت اشاره کرده است:

رخساره تو شکست خورشید

حال سیه تو رشک انجم

(قصیده ۷/۱۲۵)

ذکر هوس قدت تحسر

یاد نمک لبت تنّعم...

(قصیده ۸/۱۲۵)

خلق نیکوی رسول خدا^(ص) در آیه «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) و همچنین حدیث خود ایشان «أَنِّي بُعْثَثُ لِأَتَّمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (متقی هندی، ۱۴۲۴: ۱۱؛ ۴۰: ۱۱؛ ۱۳۹۸، ج ۶۷: ۳۷۲) تبیین شده است. نکته مهم، قاطعیت آن حضرت با کفار و مهربانی ایشان با مؤمنان بود: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشَدُاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنُهُمْ» (فتح: ۲۹). اظهاری به زبان تصویر این گونه سروده است:

ز مهربانی خلق عمیم تو ننشست

به دامن دل هیچ آفریده گرد ملال

(قصیده ۲۱/۱۷)

لطف عام تو شود خلق جهان را حامی

خلق خاص تو بُود خسته-دلان راتیمار

(قصیده ۶۵/۱۸)

سخنان منطبق بر وحی الهی: رسول^(ص) جز بر مبنای وحی الهی سخن نمی‌گوید

که «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» (نجم: ۳ و ۴)؛ ازین رو آسمانیان هم مشتاق شنیدن آن‌ها هستند:

در ره نذر ملاقات غزال سخنست

چرخ می‌پورد از ثور و حمل قربانی

(قصیده ۱۴/۱۷)

اظهری به شکوه و عظمت پیامبر^(ص) ایمان دارد:

هنگام دیدن تو سراسیمه می‌شود

از هول کبریای تو در دیده‌هانگاه

(قصیده ۱۱/۲۱)

احتساب و رعت بانگ چوبرساز زند

نغمه بیرون ننهد پا ز پس پرده تار

(قصیده ۱۸/۵۴)

برتری مقام پیامبر^(ص) بر انبیا و فرشتگان مقرب الهی: حضرت رسول^(ص) خود در این باره می‌فرمایند: «لَمَّا مَرَأَ اللَّهَ وَقْتٌ لَا يَسْعُهُ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُؤْسَلٌ» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۱۸، باب ۱۸: ۳۶۰) و بازماندن جبرئیل از همراهی آن حضرت در مراحل پایانی معراج هم مؤید این موضوع است:

به فضل خویش خدا آفریده‌ات ز ازل

برانبیا همه تفضیل داده او افضل

(قصیده ۱۷/۴۹)

یک نشان از سخط کفر گدازندۀ توست

عقدۀ لازمه ناصیۀ عزائیل

(قصیده ۱۶/۳)

یک نسیم از نفس روح فزاینده توست

اشر زمرة صور دم اسرافیل

(قصیده ۱۷/۳)

به رحمت دل جبریل می‌برد حسرت

کند چنان‌که یتیم آرزوی مهر پدر

(قصیده ۵۸/۵)

وارستگی از دنیا: پیامبر اسلام^(ص) ذره‌ای به دنیا دلبستگی نداشتند و مدت زیادی
هم زندگی نکردند:

کرد از عالم دون زود سفر زانکه نداشت

طاقت همت او حوصله چرخ بخیل

(قصیده ۹/۳)

خاتم پیامبران: خداوند رسول اکرم^(ص) را به پیامبری برگزید و اکمال آفرینش و عقل
کل، مرهون وجود ایشان است:

صاحب تخت رسالت که زآغاز جهان

عقل کل یافته از فیض وجودش تکمیل

(قصیده ۶۶/۳)

خداوند او را خاتم الانبیا نامیده: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (احزاب: ۴۰): «محمد پدر هیچ کس نیست از مردان شما؛ لکن رسول خداست و مهر پیغمبران» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۵۸).

سرهنگ جهان ختم رسول احمد مرسل
کز خاک درش گوهر، احسان سحاب است
(قصیده ۹۵/۱۸)

اظهری با ذکر صفاتی مانند: شفیع، هادی، عادل و... برای پیامبر^(ص)، پیروان ایشان را به پیروی از آن حضرت فرامی خواند:

صدر جهان شفیع ام هادی رسول
کز باغ خُلق اوست گلی گلشن نعیم
(قصیده ۵۰/۱۰)

خواجه ثقلین از دیگر صفات پیامبر^(ص) است که اظهری براساس حدیث «إِنِّي تَارِكٌ فِيْكُمُ الشَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي...» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۳۳) به فراوانی آن را به کاربرده است:

همیشه تا به زوایای عالم ملکوت
کنند فخر، ملائک به سید ثقلین
(قصیده ۷۹/۲۶)

پایمرد و شفیع گمراهان است:

دستگیر هر ز پا افتاده روز جزا
کیست جز مستندنشین یشرب و بطحای من
(قصیده ۱۳/۴۹)

نام ایشان مایه آفرینش آفاق است:

بود همچنین از شرف نام عالیش

به عنوان توقيع آفاق، طغرا

(قصیده ۵۵/۲۵)

رسول خدا^(ص) که در آفرینش جسمانی آخرین پیامبرند، از نظر رتبت و آفرینش روحانی، اولین پیامبر و نخستین موجودند:

سردفتر انبيا که عدلش

بر چرخ برين کند تحکّم

(قصیده ۱۱/۱۲)

اظهری در قصاید خود، ضمن نعت پیامبر^(ص) و ابراز ارادت خود به ایشان، آن حضرت رامایه استجابت دعا، عزت و گسترش اسلام و مایه آبادانی دو جهان می داند:

صاحب تخت نبوت، افتخار کائنات

مسند آرای شریعت، قبله حاجات ناس

(قصیده ۹/۴)

ُنْه فلک را به وجود تو بَدَ معموري

دو جهان را بود از فضل تو آبادانی

(قصیده ۲۸/۱۵)

۶-۲-۶. فضائل حضرت علی^(ع) و فرزندان ایشان

اظهری با ارادت ویژه به امیر مؤمنان^(ع) و فرزندان ایشان، می کوشد ذره ای از عظمت آن ها را تبیین کند. وی حضرت علی^(ع) را بعد از پیامبر^(ص) برگزیده خداوند می داند و

معتقد است که در اخلاق و صفات، از برترین آفریده‌های الهی است:

نسیم گلشن خُلقت ز دشت چین بگذشت

دمید غنچه نافه، غزال را از ناف

(قصیده ۲۰/۲۸)

گر دلم لب به لب چشمۀ خضر است که باز

تشنه خاکِ درِ خسرو گردون حشم است

(قصیده ۳۱/۱۴)

اظهری، حضرت علی^(ع) را صاحب و کاشف اسرار، دافع الشر، قاطع البرهان، ید الهی،
تسلیم در برابر حق و رسول خاتم^(ص)... و در یک کلام، انسان کامل می‌داند و درنهایت،
با اظهار عجز در بیان این همه عظمت می‌گوید:

دافع الشر و قاطع البرهان

صاحب السرّ و کاشف الاسرار

(قصیده ۲۲/۲۰)

موسى طورِ نجف، آب رخ باغ نعیم

که گل برق تجلی بودش شمع مزار

(قصیده ۲۸/۸۵)

نفوذ سخن و فصاحت و بلاعث امیر مؤمنان بر همگان مبرهن است. تاجایی که کلام
ایشان را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق دانسته‌اند (مطهری، ۱۳۹۳: ۲۵).

به غیر نقل تودیگر حدیث راسخ نیست

بَرَدَ كَلَامَ خَداً آنچَهُ ازْ تَوْشِيدِ مَنْقُولٍ

(قصیده ۴۴/۱۵)

چو کوشد در ثبوت مدعایی

دم جبریل آید در گواهی

(قصیده ۸/۴۳)

امام حسن^(ع) که یکی از دو گوشواره عرش الهی است، در شعر اظهاری مایه امیدواری پیامبر^(ص) توصیف می‌شوند:

کنم شروع به وصف حسن امام بحق

که شد ز شربت زهرش لب شهادت تر

(قصیده ۲/۵۰)

که هست یک گهری از دو گوشواره عرش

گل بهشت امید نبی امام حسن

(قصیده ۱۵/۴۵)

امام حسین^(ع) زینت زمین و آسمان و درنهایت بخشندگی هستند:

بهار خال و خط تو دهد جهان رازیب

شرار آتش عشقم دهد فلک رازین

(قصیده ۸/۷۹)

برگشايد دست بخشش گربه اهل احتیاج

افکند ظل کفش هر سو بساط گوهری

(قصیده ۲۸/۴۶)

بارگاه امام رضا^ع، جایگاه خیل ملائک است:

بانی شرع محمد، علی بن موسی

که کنندش همه جا خیل ملک پیش آهنگ

(قصیده ۱۲/۴۷)

واسطهٔ فیض الهی برای عرشیان و فرشیان هستند:

آن چنان ضامن رزق است که بط در دل آب

روزی خویش برون آورد از کام نهنج

(قصیده ۱۴/۴۷)

نخستین مرحلهٔ دعوت پیامبر^(ص)، با دعوت عشیرهٔ آن حضرت آغاز شد. پیامبر^(ص) به فرمان الهی «وَأَنذِرْ عَشِيرَةَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: ۲۱۴) خویشان خود را جمع و رسالت خود را اعلام نمودند و فرمودند: «فَآتَيْكُمْ يوازِرْنِی عَلَى هَذَا الْأَمْرِ عَلَى أَنْ يَكُونَ أَخِی وَوَصِیٌّ وَخَلِیفَتِی فِیْکُمْ» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶، ج: ۱۱۱). از بین خویشان، تنها علی^(ع) برخاست و گفت: «من یا رسول الله» و این سخن تا سه بار تکرار شد. آنگاه پیامبر^(ص) فرمودند: «هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم». حدیث وصایت پیامبر^(ص) «لِکُلِّ نَبِیٍّ وَصِیٌّ وَوَارِثٌ وَإِنْ عَلِیًّا وَصِیٌّ وَوَارِثٌ» (صدقوق، ۱۴۱۳، ج: ۴، ۱۸۰) نیز تبیین‌کنندهٔ این موضوع بوده که اظهاری نیز به آن اشاره کرده است:

امام مشرق و مغرب، خدیوملت و ملک

علی وصی نبی برگزیده قدس

(قصیده ۱۳/۱۹)

سرور اولیا، وصی نبی

شاه کونین، حیدر کزار

(قصیده ۲۱/۲۲)

۶-۲-۲-۱. ولایت علی^۴

پیامبر^(ص) فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ امامَ زمانِهِ، مَاتَ مَيْتَةً جَاهْلِيَّهُ» (صدقه، ۱۳۹۵ هـ.ق، ج ۲: ۴۱۰) و با این حدیث به امت خویش ضرورت شناخت امامشان را تأکید کردند. آیات ولایت، تبلیغ، تطهیر و احادیثی چون ثقلین، منزلت، سفینه، انذار و احادیث دیگر، ادلۀ اثبات ولایت و امامت امیر مؤمنان^(۴) هستند:

شه سپهر ولایت، علی عالی شأن
که نزد گلشن لطفش ارم بود اعراف

(قصیده ۲۰/۲۰)

والی ملک ولایت، علی عالی قدر
که بود وارث اورنگ خلافت ز قدم

(قصیده ۳۸/۲۶)

عدالت و در عین حال مرحمت امیر مؤمنان^(۴) نیز در شعر اظهري تجلی یافته است:

لوای معدلتش زهر ظلم را تریاق
دوای مرحمت او سقیم را سرمق

(قصیده ۲۱/۲۴)

وقوف به اسرار الهی از صفاتی بوده که اظهري برای علی^(۴) بیان کرده است:

نکات سرّ الهی درون سینه او
چنان بود که حروف لغات درقاموس

(قصیده ۱۹/۱۴)

۶-۲-۲-۶. شجاعت حضرت علی^(۴):

علی وصی نبی، پشت لشکر اسلام
که گشته در کرمش کائنات مستغرق

به قلعه‌ای که شبیخون برد مهابت تو
نه باره آید آنجا به کارونی خندق
(قصیده ۲۱۵ و ۲۰)

۶-۲-۳-۳. احسان و بخشندگی و وارستگی امیر مؤمنان^(۴):

به عقیده اظهری، علی^(۴)، نماد قدرت حق در زمین و فضل الهی است که نه تنها اسیر
لذت‌های مادی نشد، بلکه پیوسته حامی محرومان بود:

نقد صد گنج به هر سائل دل خسته فشاند
بود دستش زپی قطع ملاقات درم
(قصیده ۳۸/۳۴)

هیچ‌کس نیست که شرمنده احسان تونیست
مئّت جود تو تا روز جزا بر کرم است
(قصیده ۳۱/۲۵)

در لذت کام خود نکردی
یک لقمه این جهان تناول
(قصیده ۳۶/۲۹)

۶-۲-۴. علم وصف ناشدنی امیر مؤمنان^(۴):

«آنا مَدِيْنَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَىٰ بَاهِهَا» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۴، باب ۹۱: ۸۷)

والی ملک ولايت علی عالي قدر
که بود وارث اورنگ خلافت ز قدم

...بَوَدَ آنَ عَالِمَ كَوْنِينَ كَه در جمله علوم
جز خدا غیر رسول از همه باشد اعلم
(قصیده ۳۸/۲۶ و ۳۰)

شجاعت و عدالت امام حسن^(۴) نیز از صفات آن حضرت در شعر اظهری است:

ملَكٌ ز روز ازل در لباس دوزی خلق
بریده بر قد خصمش به جای جامه، کفن
(قصیده ۴۵/۱۶)

ز حفظ عدل تو نتواندش رساند ضرر
اگر به برق گذاری حراست خرمون
(قصیده ۴۵/۲۳)

اظهری جاذبه و دافعه، عزت و مقام، شجاعت و کمالات امام حسین^(۴) را چنین توصیف می‌کند:

گر شراری ز آتش خشممش شود گیتی فروز
دستگاه نه فلك تنگ آيدش از معجمی
(قصیده ۴۶/۶)

اسیر مدرس فضلت هزار افلاطون

غلام پایهٔ جاهت هزار ذوالقرنین

(قصیده ۱۴/۷۹)

اظهری در توصیف عدالت و هیبت امام رضا^(۴) این‌گونه سروده است:

کبک در کوه به آوازه سور عدلت

از حنای جگر باز کند ناخن، رنگ

(قصیده ۱۷/۴۷)

چشم اعدای تو از بس که کند گریه زیبم

در ته آب رود شیر فلک چون خرچنگ

(قصیده ۲۳/۴۷)

۶-۳. تصویرسازی

با بررسی قصاید اعتقادی اظهری مشخص شد که شاعر برای زیبایی کلام و اثرگذاری بیشتر بر مخاطب، در این قصاید از تصاویر و آرایه‌های ادبی به فراوانی استفاده کرده است. به برخی از این موارد اشاره می‌شود. او برای انجام وظیفه در برابر اولیاء الله و آرایش سخن، مناقب خود را به دو شیوه حماسی و غنایی بیان کرده است.

۶-۳-۱. منقبت حماسی (به ترتیب در توصیف پیامبر^(ص) و امام رضا^(۴))

هنگام غزا در بر تمساح سنانت

در عن اعدای تو چون جوشن آب است

(قصیده ۲۳/۹)

آن که در صیدگه معدلتیش سُمْ غزال

خون گشاید به گه صید ز چنگال پلنگ

(قصیده ۴۷//۱۳)

۶-۳-۲. منقبت غنایی (به ترتیب در وصف امیر مؤمنان^(۴) و امام زمان^(۵))

نیابد به عهد تو مرگان نرگس

به هم چون لب غنچه از شادمانی

(قصیده ۲۹/۷۱)

مگر به دست شکرخند و زهر چشم تو داد

قضا عنان بقا و زمام فانی را

(قصیده ۴۹/۲۱)

از بین آرایه‌های بدیعی و بیانی، قدرت شعری اظهری را می‌توان در به‌کارگیری انواع بر جستهٔ تشبيه، استعاره‌های مکنیه (شخصیت‌بخشی)، حُسن تعلیل، تمثیل، تناسب، تضاد و تلمیح با بسامد بالا مشاهده کرد.

۶-۳-۳. اشاره به وقایع دوران پیامبر^(ص)

افزون بر تلمیح و اقتباس‌های متعدد به آیات و داستان‌های قرآنی و احادیث معصومان^(۴)، اشاره به بعضی از وقایع دوران پیامبر^(ص) مثل جنگ‌ها و معجزات آن حضرت در بین اشعار اظهری جلوه خاصی یافته است. برخی از این موارد بدین قرار است:

۶-۳-۳-۱. اشاره به فتح مکه و پاکسازی خانه کعبه

تلمیح به فتح مکه و بالارفتن حضرت علی^(۴) از شانه پیامبر^(ص) و شکستن بت‌های

داخل کعبه به دستور حضرت رسول^(ص) (طبری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۱۷۴).

ویران‌کن سومنات کفار

برهم زن دین بت پرستان

(قصیده ۴۲۵/۲۵)

۶-۳-۲. اشاره به معجزه شق القمر

شکافتن ماه (شق القمر) یکی از معجزات پیامبر^(ص) در برابر درخواست مشرکان است. بدین ترتیب که بنا بر روایات پیامبر^(ص) ماه را در آسمان به دونیمه کردند و سپس فرمان دادند تا به حالت عادی برگرد (طوسی، ۱۳۸۹، ج ۹: ۴۴۳؛ و تفاسیر سوره قمر: ۱).

چه سرور آن شرف امت و شفیع امم

که از هلال سرانگشت اوست شق قمر

(قصیده ۴۵/۵)

۶-۳-۳. اشاره به معراج پیامبر^(ص)

می‌رفت به عرش با براقش

بر خاره نگفت زان لبس قُم

(قصیده ۱۲/۱۳)

در شب فرخ معراج چو ماه و خورشید

گشت از نعل براقش دو جهان نورانی

(قصیده ۱۶/۲۵)

۴-۶. توصیه‌های اعتقادی شاعر

اظهري، قدرت کلامش را در خدمت دین خویش قرار داده و کوشیده است تا اخلاص و ارادت خود را به ائمه اطهار^(۴) اظهار کند؛ از این‌رو در لابه‌لای منقبت‌های خویش، توصیه‌هایی هم به شکل خطاب‌النفس به خود و دیگران دارد:

۱-۴-۶. توکل بر فضل الهی

به لطف شامل او کار خویشتن بگذار
که بر تورحم خود از فضل، کردگار کند

(قصیده ۴۸/۱۶)

۲-۴-۶. تقید به دین اسلام

نیست راهی غیر دین احمد مرسلا مرا
این بود آین اگر پنهان اگر پیدای من

(قصیده ۴۸/۱۳)

۳-۴-۶. اعتماد به رحمت الهی

از آن کنم طلب هر مراد خویش از تو
که هست از طلب من عطایت افزون‌تر

(قصیده ۵۰/۷۰)

۴-۴-۶. اعتقاد به ولایت

پیامبر^(ص) فرمودند: «عَنْ جِبْرِيلَ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: وَلَائِيْهِ عَلِيٌّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي
فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» (صدوق، ۱۳۷۸ هـ.ق، ج ۲: ۱۳۶). اظهري نيز اعتقاد
به ولایت را اساس ایمان می‌داند:

به غیر تابع تو نیست در جهان مؤمن

به غیر پیرو تو در زمانه نیست عدول

(قصیده ۲۱/۴۴)

همچنین حدیث «وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرَفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۹: ۵۳۷) نیز نشان دهنده جایگاه امیر مؤمنان^(ع) در بقای اسلام، پس از رسول اکرم^(ص) است.

۶-۴-۵. لزوم رعایت ادب در پیشگاه اولیاء الله

در این حدیث زبان ادب نگه می دار

تو کیستی که شوی همچنین ثناگستر

(قصیده ۲۶/۵۰)

۶-۵. ذکر اسامی و القاب خاندان نبوت و امامت

اظهری نام و القاب پیامبر^(ص) را بارها در اشعارش به کار برده است:

محمد عربی آنکه از کمال علوّ

به آفرینش او ایزد افتخار کند

(قصیده ۱۱/۱۶)

به ساکنان سماوات و عالم ملکوت

به انبیاء اولوالعزم و سیدالابرار

(قصیده ۵/۸۰)

اظهری از بین همسران پیامبر^(ص) تنها از حضرت خدیجه^(س) نام برده و از دختر ایشان با نام‌های فاطمه^(س) و بتول و عبارت زوجه ولی خدا (قصیده ۱۱/۴۴) یادکردده است:

به حق ذات نبی و خدیجه کبری

که شد ز فیض نخستین رسول راهمسر

(قصیده ۳۱/۵۰)

به حق فاطمه آن زوجه ولی خدا

که از تجمل دنیا نداشت یک زیور

(قصیده ۳۲/۵۰)

اظهری القاب و عناوین متعددی مانند سید المؤمنین، ولی الله، امیرالمؤمنین (کلینی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۱۲)، سیدالوصیین (صدوق، ۱۳۹۵ هـ.ق، ج ۴: ۱۷۵)، ابوتراب (امینی، ۱۳۹۱، ج ۶: ۳۳۷) و... را که در کتاب‌های معتبر اهل سنت و شیعه آمده، به همراه مترادفات آن‌ها بارها برای امیر مؤمنان^(۴) به کار برده است:

۶-۵-۱. امیر مؤمنان^(۴)

شاه نجف، سپهر عدالت، محیط علم

شاهین روز معركه و شهسوار چرخ

(قصیده ۸/۲۶)

خسرو آفاق، سرخیل گروه اهل دین

آن‌که ایزد حیدرش می‌خواند، احمد بوتراب

(قصیده ۱۵/۳۳)

۶-۵-۲. امام حسن^(۴)

گشای لب به مدیح امام ملت و مُلک

نبدزخویش دفاع کن در این سرای کهن

(قصیده ۴۵/۱۲)

۶-۵-۳. امام حسین^(۵)

کعبه ثانی حسین بن علی آن کاو برد

پرتو رایش گرو ز آیینه اسکندری

(قصیده ۴۶/۲۵)

۶-۵-۴. امام رضا^(۶)

بانی شعع محمد، علی بن موسی

که کنندش همه جا خیل مُلک پیش آهنگ

(قصیده ۴۷/۱۲)

۶-۵-۵. امام زمان^(۷)

ز بهر آن شه غایب که از کجا آید

چوا ظهری شده اند منظر به راه گذر

(قصیده ۵۰/۲۵)

۶-۶. اقرار به ناتوانی در وصف اولیای دین

از ظهور اسلام تاکنون، ادبای زیادی به منقبت اولیاء الله پرداخته اند و به ناتوانی خود

در این امر اقرار کرده‌اند. اظهری هم با ۲۲۳۶ بیت از ۳۴۰۲ بیت قصاید منقبتی اش، به ناتوانی خود در این امر اعتراف کرده است:

کی سزد در فکرت وصف تو طبع اظهری

کیمیای لطف تو شاید طلا‌سازد نحاس

(قصیده ۲۵/۴)

۷-۶. افتخار به منقبتگویی معصومان^(۴) (به ترتیب درباره رسول اکرم^(ص)، امیر مؤمنان^(ع) و امام حسین^(ع))

از علم ثنايت اظهری را

بر تیر فلک بود تعلّم

(قصیده ۲۳/۱۲)

از نونهال نکته وصف جلال تو

هر صفحه گشت با غارم در کتاب من

(قصیده ۲۷/۳۴)

بیاض حُسن تو را گفته مطلع الانوار

سود چشم مرا خوانده مجتمع البحرين

(قصیده ۲/۷۹)

۸-۶. اشاره به منقبت سرایان پیامبر^(ص) و هم ذات‌پنداری با آن‌ها

گر شوم به، از سخن سنج جهان نبود عجب

نعمت تو کرده است حسّان را بزرگ از بو فراس

(قصیده ۲۶/۴)

۶-۹. آرزوی دیدار با رگاه اولیاء‌الله

به سوی خوابگهت دارم آرزو که مگر

سفید، روی سیاه من آن مزار کند

(قصیده ۳۹/۱۶)

ز پای بوس تو دورم فکند بخت، برون

بر آستان تو راهم نداد چرخ شموس

(قصیده ۳۳/۱۹)

۶-۱۰. امید به شفاعت ائمه^(ع)

در خطاب به امیرالمؤمنین^(ع)، امام حسین^(ع)، امام زمان^(ع):

فراموشم مکن چون در قیامت

کنی جا سایه چتر الهی

(قصیده ۴۳/۱۶)

به لطف شامل شه اظهري! پناه‌آور

که حافظ تو شود از حوادث طرفین

(قصیده ۷۹/۲۴)

گشای دیده رحمت به اظهري حزین

که جز درت ز دو عالم نخواست مأوى را

(قصیده ۴۹/۳۲)

اظهری در پنجاهمین قصيدة خویش با عنوان «جامع المناقب» به منقبت چهارده

معصوم^(۴) و انبیا و اولیا و الهی پرداخته است:

ز بعد حمد خدا و درود پیغمبر

پس از مناقب ذات مقدس حیدر، (۱)

کنم شروع به وصف حسن، امام بحق

که شد ز شربت زهرش لب شهادت تر (۲)

تفاخر شهدا، سرور انام، حسین

که خاک مرقد او چرخ راست کحل بصر (۵)

دگر به منقبت شاه دین، علی حسین

که داده آب به خلد برین ز دیده تر (۶)

ز بعد او به ثانی محمد باقر

که سرفراز لوای نبیست در محشر (۸)

مرا چه حال که گویم ز حالت صادق

مرا چه حد که کنم وصف حضرت جعفر (۱۱)

زنم دم از سخن وصف موسی کاظم

من از کجا و ثنایش که نیست حد بشر (۱۳)

امام برقی هشتم علی بن موسی

که داغ غربت او هست همنیشن جگر (۱۶)

محمد تقی آن شهریار پاک نژاد

که تا به حشر عدیلش نزاد از مادر (۱۸)

کتاب علم کمالاتِ کل علی نقی

کزاوست دین نبی راصحایف دفتر (۲۰)

ز بعد او حسن عسکری امام بحق

نیامده است نظریش زپشت هیچ پدر (۲۲)

محمد ابن حسن، هادی ره تحقیق

که شد به پیرو دین محمدی رهبر (۲۴)

۷. نتیجه‌گیری

پایندی به باورهای دینی و احترام بسیار اظهری به اولیای دین، سبب شد که این شاعر شیعه مذهب قرن یازدهم، عشق و ارادت خود را به خاندان نبوت و امامت، درنهایت خلوص در اشعارش متجلی کند. اظهری ۱۰۳۸۵ بیت در قالب‌های قصیده، غزل، قطعه، مثنوی و رباعی سروده و در آغاز دیوان و قبل از غزلیات خود، دو دیباچه و ترقیمه‌ای مسجع آورده است. مضامون اصلی قصاید وی (بیش از ۶۶ درصد)، نعت پیامبر^(ص) و منقبت ائمه^(ع) به ویژه امیر المؤمنین^(ع) است. حمد خدا و منقبت معصومین^(ع) قصاید آغازین اظهری را چون تحمیدیه‌ای مفصل می‌نمایاند. درخواست مغفرت او از خداوند با توصل‌های متعددش به اولیاء الله نیز موجب آفرینش چندین سوگندنامه در شعر وی شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت شاعر، اصول دین خود را از توحید تا معاد، در پهنه قصاید خویش نمایانده است. قصیده از ۸۳ قصیده شاعر درباره توحید و منقبت خاندان نبوت و امامت سروده شده که دو قصیده آن در توحید و مناجات، هفده قصیده در نعت پیامبر^(ص)، ۲۶ قصیده در منقبت امیر مؤمنان^(ع)، یک قصیده در منقبت امام حسن^(ع)، دو قصیده در منقبت امام حسین^(ع)، یک قصیده در منقبت امام رضا^(ع)، دو قصیده در منقبت امام زمان^(ع) و یک قصیده با

عنوان جامع المناقب است که در آن علاوه بر پیامبر^(ص) و خاندان مطهر ایشان، بسیاری از انبیا و اولیای الهی هم ستوده شده‌اند. قصاید اظهاری با توحید پروردگار آغاز و با جامع المناقب و «مناجات باری عزاسمه» (قصیده ۸۰) پایان می‌یابد. در جای جای دیوانش ارادت و باور قلبی خود را در تصاویری متفاوت در مقابل چشم خواننده بازتاب داده است. چنان‌که دو قطعه‌ی وی نیز به ذکر واقعه‌ی کربلا اختصاص یافته و در قطعه‌ای دیگر در دفاع از تشیع خویش، خود را «شیعه‌ی فطری» خوانده و پس از اظهار ارادت به امام زمان^(ع)، از مخالفان ایشان برایت جسته است. عزم اظهاری در منقبت‌گویی به اندازه‌ای است که به جرئت می‌توان گفت بهترین و زیباترین قصایدش مناقب او هستند و تعدد قصاید اعتقادی وی نسبت به مدیحه‌سرایی‌هایش، نشان‌دهنده‌ی ارادت راستین شاعر نسبت به خاندان نبوت و امامت است. استفاده از تصاویر شعری، انواع آرایه‌های لفظی و معنوی خلاقانه و زیبا و به‌ویژه بسامد فراوان تلمیح و اقتباس، نشان‌دهنده‌ی اوج گرایش شاعر به چهارده معصوم^(۴) است. دقت در به‌گزینی و انتخاب واژگان، توصیف‌های غنایی و حماسی، ذکر صفات ظاهری و باطنی، تشبیب‌های زیبا و سوگندنامه‌سرایی، از محسن و آرایش‌های اظهاری در قصاید اعتقادی اوست.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۷۳). الذریعه. ج ۳. مشهد: آستان قدس رضوی.
۳. ابن جوزی، علی بن محمد (۱۴۱۸ق.). الوفاء باحوال المصطفی. به تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. احمدی دارانی، علی اکبر (۱۳۹۴). «نوع ادبی سوگندنامه». شعرپژوهی. س ۷. ش ۲. صص ۱-۲۴.
۵. احمد بن حنبل (۱۴۱۶ق.). مسنده. ج ۱. بیروت: الرساله.
۶. اظهری شیرازی، بوداق [بی‌تا]. دیوان اشعار. نسخه خطی شماره ۳۷۷. کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار).
۷. [بی‌تا]. دیوان اشعار. نسخه خطی شماره ۶۰۷۸-ف. تهران: کتابخانه دانشگاه تهران.
۸. امینی، عبدالحسین (۱۳۹۱). الغدیر. ترجمه محمد تقی واحدی. تهران: بنیاد بعثت.
۹. ترکمان، اسکندریگ (۱۳۸۲). تاریخ عالم آرای عباسی. زیر نظر ایرج افشار. ج ۳. تهران: امیرکبیر.
۱۰. حدائق شیرازی، ضیاء الدین معروف به ابن یوسف (۱۳۱۶). فهرست نسخ خطی مدرسه عالی سپهسالار. ج ۲. تهران: چاپخانه مجلس.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۶). لغتنامه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. ستوده، غلامرضا و محمد باقر نجف‌زاده بارفروش (۱۳۶۶). تحمیدیه در ادب فارسی. تهران: جهاد دانشگاهی.

۱۳. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). عيون اخبار الرضا. به تصحیح علی اکبر غفاری. ترجمة حمید رضا مستفید. ج ۲. تهران: جهان.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة. به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری. ج ۲. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۱۵. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا يحضره الفقيه. ج ۴. قم: اسلامی.
۱۶. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵ق). تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک). ترجمة ابوالقاسم پاینده. ج ۳. تهران: اساطیر.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن. مقدمه آقابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی. قم: آل البيت.
۱۸. کلینی، محمد (۱۳۷۷ق). اصول کافی، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۱۹. محیتی، مهدی (۱۳۸۰ق). بدیع نو. تهران: سخن..
۲۰. متقی هندی، علاء الدین علی (۱۴۲۴ق). کنزالعمال فی سنن الاقوال والافعال.
۲۱. میبدی، ابوالفضل (۱۳۷۱ق). کشف الاسرار و عدة الابرار. به اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۳ق). سیری در نهج البلاغه. تهران: نسیم مطهر.
۲۳. مفید، محمد (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. ج ۱. قم: آل البيت.
۲۴. میبدی، ابوالفضل (۱۳۷۱ق). کشف الاسرار و عدة الابرار. به اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
۲۵. همایی، جلال الدین (۱۳۷۷ق). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما.